

## درخشش تاریخی هرات در شعر و هنر

تحول در شعر و هنر و زندگی ایرانیان در قرنهای نهم و دهم هجری



سید مسعود رضوی

«با مرگ تیمور (۸۰۷ ه.ق)، فروپاشی امپراتوری پهنوار و آغاز گشت، و مراکزی که پس از او قدرت سیاسی را به دست گرفتند و ادب فارسی در کنف حمایت آنها رشد و پیشرفت کرد متعدد بود، و پس از چندی، افزون بر هند و عثمانی، که بزرگترین جولانگاه خارجی ادبیات فارسی بودند، در آسیای مرکزی و ایران (تبریز، فارس، عراق، هرات) مراکز متعددی پدید آمد.»<sup>۱</sup> «جانشینان تیمور از سال ۸۰۷ تا ۹۱۱ ه.ق بر ایران فرمان راندند. در میان آنان شاهرخ، سلطان حسین بایقرا و سلطان ابوسعید قدرت بیشتری داشتند و دولت‌های مقتدری تشکیل دادند، ولی دیگر شاهزادگان تیموری بدین سبب که نسبت به یکدیگر بدبین بودند و گرفتار اختلاف و نزاع شدند و دست به کشتار یکدیگر زدند، از قدرت و نفوذشان کاسته می‌شد. این عوامل از یک سو و قیام ترکانان قراقویونلو و آق قویونلو و قدرت یافتن ازبکان و تعرض آنها به قلمرو ایران تیموری از سوی دیگر، زمینه سقوط و انقراض حکومت تیموریان را در ایران فراهم آورد.»<sup>۲</sup>

از حیث فرهنگی و معنوی اما در مناطق غربی و آذربایجان و آسیای صغیر تصوف بسیار پرمايه و قدرتمند ظاهر شد و حضور مولانا جلال‌الدین رومی و خاندانش و تشعشع شمس تبریزی درخشش خاصی داشت که بقیه جهان و زمان را تحت تأثیر قرار داد، اما به دلیل نفوذ و نزاع ترکان و ترکانمان، جایگاه ادب و شعر فارسی چندان گشاده و نیکو قرار نیافت. شاعران بزرگ بعدی از تبریز بودند و سپس مرکز و خراسان و هرات. این دوره به رغم اضطرابی که بر مملکت و ولایات تیموری حاکم بود، از هر جهت وضع غریبی داشت، علم و فرهنگ و هنر و ادب وارد عصر تازه و دستخوش تحولات خاصی شد.

«...انتظار می‌رفت بعد از حمله تیمور به جهت ناامنی و بی‌ثباتی شرایط، که در آن روزگار جامعه را در بر گرفته بود، رونق این بازار شکسته شود و به علم و ادب چندان توجه نگردد، اما به دلایلی این واقعه روی نداد. تیمور و جانشینانش بیش از گذشته از علما و فضلا حمایت کردند و دایره حمایت خود را وسیع‌تر ساختند و اصناف هنرمندان و اهل ذوق و ارباب حرفه را نیز در کانون توجه خویش قرار دادند. امیر تیمور مانند قاجار و سلاطین پیشین، در مرکز حکومت خویش اهل علم و ادب و هنر را گرد آورد و کوشید از حیث عده و غده قدرتمند جلوه دهد. جانشینان او مخصوصاً فرزندان، شاهرخ این راه را به قوت پی گرفتند و چنان که گفته شد، مرکز حکومت خود و شهرهای بزرگ را به دارالعلم بدل ساختند. پیش از این، به اجمال درباره علم و هنر اشارت رفت، در ساخت ادب نیز، همپای علم و هنر، شاعران و نویسندگان بسیار ظهور کردند و آثاری متنوع و پر شمار پدید آوردند چندان که این دوره از جهت کمی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دوره‌های تاریخی محسوب می‌شود. شمار کسانی که به عنوان شاعر نامشان در کتب تذکره و تراجم و دیگر منابع آورده شده است به صد هاتن می‌رسد و عده صاحبان قلم که از خود تألیفات بر جای گذاشتند در خور اعتناست. به رغم پر شمار بودن آثار ادبی این دوره، غنا و کیفیت آنها در حدی نیست که قابل مقایسه با دوره‌های پیشین باشد...»<sup>۳</sup>

با این حال، این دوران، از شکوفاترین و درخشان‌ترین ادوار علمی و هنری و ادبی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. پس از هرج و مرج دوران امیران و شاهزادگانی مانند بایسنقر و بابر که جان بر سر شادخواری و شراب نهاندند، و اوج گیری اختلاف و نزاع شدید میان امر او فرزندان دربارهای تیموری، انتظام سیاسی و انسجام این جوامع رو به سوی انحطاط و فروپاشی نهاد اما تدبیرهای شاهرخ، این فروپاشی را به تأخیر افکند و پس از او بابر

میرزا، ابوسعید و سلطان حسین بایقرا اعتدال و عدالتی پدید آوردند و تاحدی از هرج و مرج و مظالم کاسته شد و آرامش و رونق و پیشرفتی در جامعه به وجود آمد.

### هرات؛ زادگاه فرهنگ تازه

هرات مرکز خراسان در عهد تیموریان بود و در قرن نهم، یعنی بلافاصله پس از مرگ تیمور، بخاطر گرایشات خاص و معرفت پروری و همت بلند پسرش شاهرخ به

ترمیم بقعه‌ها و رباط‌ها کوشش کرد و نسبت به علما و مشایخ صوفیه محبت نمود. شاهرخ حمایت آزادانه از علم را با اعتقادات اسلامی در آمیخت و برخلاف سایر اعضای خانواده تیمور، در شریعت صدق و اخلاص میورزید و از شرب خمر می پرهیخت.

در دوره تیموریان، صوفی‌گری رواج و رونق یافت و مشایخ و علما از احترام برخوردار شدند. شاهرخ و سلطان



حسین و سلطان ابوسعید به سلسله‌نقشبندیان تمایل جسته و از آنها حمایت کردند. اما بجز نقشبندیه، دیگر سلسله‌های مهم صوفیه در این دوره مانند نوربخشیه و فرقه‌محروفیه نیز هواداران پر شور و زیادی داشتند. قدرت و تمایلات سیاسی به تدریج نفوذ و صدای آبا و مشایخ تصوف و فرقی همچون حروفیه و امامیه را افزون می‌ساخت و ادغام و ائتلاف‌هایی هم در اینجا و آنجا به حساب منافع یا برای مقابله با دشمن مشترک روی می‌داد که موجب مخاطره و تهدید زیادی بود. در آن عهد ظاهراً حروفیه دارای تشکیلات سیاسی گسترده‌ای بود که بنا بر آنچه در منابع تاریخی نوشته‌اند، در سوء قصد به شاهرخ در ۸۳۰ ه.ق نیز نقش اساسی داشتند و در نتیجه تحت پیگرد حکومت و آزار قرار گرفتند.

در پی این رویداد بود که هرات و خراسان، معین‌الدین شاهرخ نسبت به بعضی از مشایخ و کسانی که گرایش‌های شیعی داشتند، سوءظن نشان می‌داد. این طرز تلقی دلالی داشت و مسبب دشمنی حروفیه و شیعه با او و با آنان شده بود. حتی برخی فرق صوفیه در این بدگمانی متقابل، گرفتار بودند. نسبت به سید محمد نوربخش، سید قاسم انوار و صائ‌الدین ترقی، که با خشونت برخورد شد و متهم شدند که در توطئه قتل شاهرخ با ترکانان آذربایجان - طوایف قراقویونلو که منسوب به تشیع بودند - ارتباط و وصلی در کار یا آثارشان بوده است.

به رغم این سوءتفاهم و نظایر آن، در مجموع می‌توان گفت که معین‌الدین شاهرخ مانند پدرش تیمور، فردی شجاع و جنگ‌آزموده، اما بر خلاف او مردمدار و سلیم و صلح‌جو بود. او با وجود مصلحت‌اندیشی و مخالفت با خونریزی‌های بی‌بیهوده، در دفع سرکشان قاطع و جدی عمل می‌کرد. از وزیران و مشاوران خردمند بهره می‌برد که نام امیر علیشیر نوایی شاعر و دانشور عصر بر تارک آنان می‌درخشید. در عهد سلطنت شاهرخ و وزارت امیر علیشیر، هرات که پایتخت دولت بود، به کانون درخشان هنر و ادب عصر تبدیل شد. وجود مولانا قوام‌الدین شیرازی، آن مهندس معمار نابغه و بی‌مانند که در آن ایام در هرات، به شاهرخ و همسر هنر پرورش گوهر شادآغا، این فرصت و امکان را داد تا مساجد، مدارس، و ابنیه عالی در قلمرو قدرت خویش بنا کنند. مسجد گوهر شاد در مشهد و در کنار حرم علی

پایتخت هنر و فرهنگ بدل شد. از بازیهای تاریخ، عجیبتی از همه این است که ظهور این فرمانروای فرهنگ‌پرور در مجموعه اولاد خونخوار و یرانگر زمانه، یعنی تیمور، معروف به تیمور لنگ، یک میراث متضاد با اصل و گوهر بود.<sup>۴</sup>

البته اولاد تیمور سه دسته از فرمانروایان بودند. یک دسته بابرین و تیموریان هند هستند که فعلاً خارج از بحث ماست، اما در پناه ایشان فرهنگ و هنر و ادبیات، به ویژه شعر و مکاتبات نظم با عنوان «طرز تازه» بار آمد و به سبک هندی آوازه یافت. دومین دسته، در قفقاز و آذربایجان و شمالغرب و غرب ایران زیر دست ترکانان و شبانکارگان پرورده شدند مانند میرانشاه و پسرش میرزا ابابکر (۸۱۱-۸۰۱ ق/ ۱۳۹۸-۱۴۰۸ م) که پس از مرگ تیمور یکی از مدعیان جانشینی او بود. میرزا ابابکر حدود سال ۸۰۱ ق/ ۱۳۹۸ م، پس از آن که پدرش به سبب افتادن از اسب، دچار نوعی اختلال حواس شد، از سوی تیمور به جای پدر به امارت آذربایجان و گرجستان برگزیده شد. میرانشاه و ابابکر در دیار بکر و عراق عرب حکومت داشتند. عمر، پسر دیگر میرانشاه، حاکم آذربایجان و عراق عجم بود. پیرمحمد و رستم و اسکندر (پسران عمر شیخ)، به ترتیب فارس، اصفهان و همدان را تحت فرمان داشتند. هر یک از آنان می‌کوشیدند تا با کمک امیران و لشکریان، هر چه زودتر سمرقند، تختگاه تیمور را فتح کنند اما حریف شاهرخ نشدند و او به تدبیر و شمشیر بر ایشان غلبه یافت. این مدعیان و اولاد و اعوان و انصارشان جنگجو و خونریز بودند و برخی که با فرهنگ به حساب می‌آمدند، در طریقت و شریعت، گرایشات ظاهری داشتند و ظواهر تصوف و فقه را خوش و نیک می‌داشتند. ذوق و عمقی نداشتند.

دسته سوم تیموریان هرات بودند که اهمیت زیادی برای این بحث دارند. سواى این بحثها، میراث مغول همان است که در مقاله دانشور و نویسنده ارجمند حمید یزدان پرست آمده و لازم است محققان بدان رجوع و در آن تأمل کنند.<sup>۵</sup>

### نقش فرهنگی شاهرخ تیموری

سرآمد فرزندان تیمور، شاهرخ بود. برخلاف تیمور که از دین تنها ملاقات با صوفیان را می‌ساخت، شاهرخ در رعایت دین و پیروی از شریعت صدق و اخلاصی داشت. او در سفر و حتی در میدان جنگ، از به جا آوردن فرایض دینی غفلت نمی‌کرد. در ایجاد و آباد مساجد و تعمیر و

### بخش چهارم

بن موسی الرضا و مسجد جامع گوهر شاد در هرات، از درخشانترین آثار معماری این عصر، مدیون طرح و تفکر قوام‌الدین شیرازی و آن ملکه هنر پرور عصر بود، که همچنان برجای مانده است.<sup>۶</sup>

### پی‌نوشت‌ها:

۱. ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، محمدرضا شفیعی کدکنی، ترجمه حجت‌الله اصیل، نشر نی، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۱۴.
۲. تاریخ ادبیات ایران، دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد و جمعی دیگر، انتشارات سمت ۱۳۸۹، ص ۳۹۶.
۳. تیمور البته در ویرانگری بیشتر نقش داشت تا در سازندگی و فرهنگ پروری. فرزندانش بخشی از ویرانگری و ددمنشایی او را جبران کردند. امیر تیمور یا بقول سردارانش «خان» در شش لشکر کشی، یک جای آباد در این مملکت و بلاد تابعه باقی نگذاشت. شرح احوال و فرمانروایی طولانی او را از وروده ایران تا مرگ، که به باز هم در حال لشکر کشی برای آخرین آرزویش یعنی فتح چین بود، به قلم توانای استاد زرین کوب در فصل آخر از بخش دوم کتاب روزگاران استاد زرین کوب به انصاف و فصاحت بیان شده است.
۴. تاریخ ادبیات در ایران، میرباقری فرد و دیگران، صص ۳۹۹ به بعد تا ۴۰۲.
۵. فرزندان و نوادگان و نبیره‌های تیموری، به سلسله میرزایان شهرت داشتند. یعنی «زادگان امیر» و با این لقب فرزندان شاه خوانده می‌شدند، ولیکن بعدها به دلیل دانشدوستی و هنرجویی و کتابت اعتقاد اینان در هرات و دیگر نقاط و سرحدات، لقب «میرزا» با منشیان و علما هم‌نسبتی یافت. در باب تاریخ میرزایان و فاصله میان مرگ تیمور تا بر تخت نشستن شاه اسماعیل صفوی، بنگرید به کتاب «روزگاران»، اثر استاد زرین کوب، نشر سخن، آخرین فصل از بخش دوم، و نیز «شعر فارسی در عهد شاهرخ» (نیمه اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی، اثر دکتر احسان یارشاطر، دانشگاه تهران ۱۳۳۴، فصل اول درباره هرات و وقایع دوران مورد بحث. البته موضوع این کتاب، شعر فارسی در پنجاه سال اول قرن نهم هجری یا دوران حکومت شاهرخ است که این دوران از ادوار مهم تحول ادبی در ایران محسوب می‌شود. استاد یارشاطر بر این باور بودند که این دوره را نمی‌توان از ادوار درخشان ادبی ایران دانست و آثار ادبی آن را با آثار ادواری چون دوران حکومت اسماعیل سامانی و محمود غزنوی و سنجر سلجوقی و حتی ناصرالدین شاه قاجار برابر شمرد. اما شعر و شاعری این عصر از جهاتی دیگر درخور توجه و شایسته تحقیق است. نخست از جهت رواج و رونق شعر و وفور شعرا و اهتمامی که در تربیت و حمایت ایشان به کار می‌رفته و دیگر آنکه در شعر این دوره کیفیت تازه‌ای پدید آمد که می‌توان آنها را مقدمه ظهور سبک معروف به «سبک صفوی» یا «سبک هندی» دانست.

۶. عنک به مقاله: «فرجام و پیامد یلغار مغول»، حمید یزدان پرست، پیوست فرهنگی روزنامه اطلاعات، شماره ۵۹۶، ۲۹ شهریور ۱۴۰۲، صص ۴ و ۵.

۷. درباره میراث تیموریان هرات و اهمیت آنها بنگرید به: - تاریخ ادبیات ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، جلد‌های ۴ و ۵ (بخش اول)، انتشارات فردوس ۱۳۷۱.

- تاریخ تیموریان و ترکانان (خلدبرین)، محمد یوسف واله اصفهانی قزوینی، تهران ۱۳۷۹.

- شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی، احسان یارشاطر، دانشگاه تهران ۱۳۳۴.

- و رشحات عین الحیات، فخرالدین علی صفی، مقدمه و تصحیح و حواشی و تعلیقات علی اصغر معینیان، تهران انتشارات بنیاد نیکوکاری توریانی ۱۳۵۶، جلد اول، مقدمه مصحح.